

ظفرنامه

تایخ عمومی منتقل ایران در دوره تیموریان

مولانا شرف الدین علی یزدی

از روی نسخه که در عصر مصنف نوشته شده

تصحیح و اهتمام محمد عباسی

جلد اول

مطبع مطبوعه

نگارستان سیاه پنهان

شرف الدین علی یزدی و ظفرنامه او

ظفرنامه

مولانا شرف الدین علی یزدی

تایخ عمومی منتقل ایران در دوره تیموریان

تصحیح و اهتمام محمد عباسی

از روی نسخه که در عصر مصنف نوشته شده

جلد دوم



تیراژ - ۱۳۳۶ خسی
چاپ رهن

○ ظفرنامه

○ تالیف: شرف الدین علی یزدی

○ تهیه و تنظیم: عصام الدین اورونبایوف

○ ناشر: اداره انتشارات «فن» جمهوری شوروی سوسیالیستی

ازبکستان، تاشکند، ۱۹۷۲

در این نوشته برآنیم تا شرحی کوتاه و مختصر از زندگانی علمی و سیاسی یکی دیگر از مورخان و ادیبان سرزمین ایران را ارائه دهیم و به اجمال در مورد اصل و نسب، اعتقادات، اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر مؤلف و... نکاتی را عرضه کنیم.

در مورد مؤلف ظفرنامه، مولانا شرف الدین علی یزدی در کتب تذکره و تحقیقات، مطالب بسیار اندکی موجود است. در دو مقدمه چاپ فارسی موجود آن نیز به طور منسجم از او و کتابش ظفرنامه سخن به میان نیامده است. با این حال، مقدمه مصحح ازبکستانی ظفرنامه، عصام الدین اورونبایوف بر مقدمه محمدعباسی از جهات زیادی برتری دارد. در عین حال در این نوشته نیز در مورد اعتقادات مؤلف و ارجحیت و سبک نگارش کتاب کمتر سخن به میان آمده است.

در این مقاله سعی شده است این نواقص حتی الامکان رفع شود و طرحی نو از حیات علمی مؤلف کتاب ظفرنامه مولانا شرف الدین علی یزدی ارائه گردد. ضمن آنکه متن کتاب نیز به اجمال مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

شرح حال مؤلف

در مورد ابتدای زندگی مؤلف ظفرنامه تیموری، شرف الدین علی یزدی، اطلاعات بسیار اندکی در نوشته‌های تذکره نویسان و مورخان بعد دیده می‌شود و دقیقاً مشخص نیست که در چه تاریخی به دنیا آمده است. به روایتی، شرف الدین علی فرزند شیخ حاجی یزدی ملقب به شرف در شهر تفت نزدیک یزد متولد گردیده و احتمالاً ما بین سالهای ۸۳۸-۸۱۸ ه. ق / ۱۴۲۵-۱۴۱۶ م. وی در خدمت ابراهیم سلطان پسر شاهرخ بوده که در سال‌های مذکور بر فارس حکومت داشته است.^۱

به روایتی دیگر نام و نسبش را شرف الدین علی بن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته‌اند.^۲ که به خاندانی معروف و صاحب نام تعلق داشته است، پدرش بانی مسجد جامع یزد بوده و شرف الدین نیز مدرسه شرفیه را در جوار همان مسجد بنا کرد که بعداً مدفون او نیز گردید.^۳ بنابراین شرف الدین ایرانی بوده و به دلیل تربیت خانواده به کسب دانش و آموختن علوم مختلف پرداخته و در نتیجه این سعی و تلاش در همه فنون و کمالات گوی سبقت را از همگنان بود.^۴ او مدت زمانی در مصر با سید نورالدین، شاه نعمت ولی، سیدحسین اخلاطی، سیدخاتم انواری تبریزی و خواجه ضیاء الدین ترکه مونس و همدم بوده^۵ و با عارفان و محققان مجالست داشته و به ویژه در علم معما صاحب فن بوده است.^۶

اعتقادات مؤلف

بر اساس آنچه از خطوط مبهم زندگی شرف الدین علی یزدی باقی است، وی از جمله عارفان و علمای عصر خود بوده و به فضیلت و هنرپروری معروف و همواره در فارس و عراق نزد سلاطین عظام معزز و محترم بوده است.^۷

اما در اینکه شرف الدین به کدام یک از دو فرقه مهم شیعه و یا سنی اعتقاد داشته، رأی قطعی نمی‌توان صادر کرد. او در مقدمه ظفرنامه نیز از خلفای راشدین به نیکی یاد کرده: «... رفیق شفیق صدیق عتیق امیرالمومنین ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه... و معین منصب خلافت یا جماع فاروق خطا از صواب امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنه... و صاحب حلم و حیافی کلّ حین و اوان امیرالمومنین عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه... و امام با حشمت و وقار مالک ذلذل و

○ حسین احمدی

ذوالفقار منشوردار هل اتی مشهور دیار لافتی محرم راز درون و بیرون تشریف یافته انت منی بمنزلة هارون امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب...» حتی نام پدر در یکجا، علی بن شمس الدین بن علی یزدی^۱ و در جای دیگر مرحوم شمس الدین ابوبکر یزدی^۲ و در جایی دیگر، ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین^۳ ذکر شده است. او در یک جا علی (ع) را وصی پیامبر معرفی می‌کند اما بلافاصله او را چهارمین خلیفه می‌خواند:

«نبی را وصی و خدا را ولی

علی بود بی شک و شبهت علی

از آن وجه رویش چو خورشید بود

که از چارمین آسمان رخ نمود.

و در ادامه می‌نویسد: «... امیرالمؤمنین حمزه و عباس و بر ارواح مطهره او که مسند خلافت به پرتو وجود ایشان آراسته...»^۴

اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان مؤلف

شرف الدین علی یزدی در عهد اخلاف تیمور می‌زیسته و مصاحب شاهرخ شاه و پسرش میرزا ابراهیم سلطان بوده است.^۵ چون رسم تیمور این بود که در سفر و حضر پیوسته اعظام ارباب و علمای از سادات و علما و فقها و اهل فضل را همراه خود داشته باشد. شاهرخ پسر تیمور نیز در ادامه روش پدر هم مجموع نسخ باقی مانده از عصر پدر را از نثر و نظم فارسی و ترکی از تمام ممالک طلب کرد^۶ و هم علما و بزرگانی چون شرف الدین علی یزدی را ملازم رکاب خود ساخت و وی در اوایل محرم سال ۸۳۲ ه. ق. به هنگام جنگ شاهرخ میرزا با امیراسکندر پسر قرايوسف قرايوبونلو در بیرون سلماس شخصاً حضور داشته و ضمن ستایش از ابوالفتح میرزا

قسمت اساسی ظفرنامه
طبق نقشه مؤلف
می‌بایستی از سه مقاله تشکیل می‌شد.
مقاله نخست به تیمور
مقاله دوم به پسر او شاهرخ و
مقاله سوم به ابراهیم سلطان
پسر شاهرخ، مشوق و
حامی شرف‌الدین علی در تدوین
ظفرنامه اختصاص داده شده بود
ولی اثری که امروز به نام ظفرنامه
مشهور است و تاریخ تیمور را
شامل می‌شود
فقط مقاله اول اثر مورد نظر مؤلف را
تشکیل می‌دهد و دو مقاله دیگر
موجود نیست

ابراهیم سلطان در تاریخ آن واقعه می‌نویسد.^{۱۵}
اسکندر ترکمان چون عصیان ورزید
دارای زمان سزای او واجب دید
از تیغ ابوالفتح چو بگریخت به جنگ
تاریخ شد از ابوالفتح پدید (۸۳۲)
اما این رابطه حسنه بین شرف‌الدین و امیر تیمور
چندان دوام نیافت. هنگامی که نوه شاهرخ، سلطان
محمد میرزا پسر بایسنقر توسط جمعی از بزرگان و سادات
به اصفهان فراخوانده شد، شاهرخ برای سرکوب نوه
خود به اصفهان آمد و آنان را مورد شتمات و مواخذه قرار
داد و از جمله شرف‌الدین علی یزدی را مورد عتاب قرار
داد. زیرا به سلطان محمدگفته بود که شاهرخ به عراق
نخواهد آمد

پیوند چرخ و اختر و بخت تو نوجوان
آن به که پیر نوبت خود به جوان دهد^{۱۶}
شاهرخ میرزا بر او خشم گرفت اما شاهزاده
عبداللطیف زانو زد و گفت مدتهاست که پدرم (الغیبیک)
در سمرقند طالب اوست تا رصدخانه را به اتمام رساند.^{۱۷}
و او را با خود به سمرقند برد. اما ظاهراً قبل از سفر به
سمرقند و هرات، شرف‌الدین علی مدتی در یزد تدریس
میکرده^{۱۸} و سپس به شفاعت عبداللطیف به سمرقند
رفته است.

اما روزگار مولانا شرف‌الدین علی در عهد شاهزاده
ابراهیم سلطان پسر شاهرخ به خوشی گذشت و او در
عراق و فارس مرجع فضلا و اکابر بوده و شاهزاده که
اعتقادی راسخ به مولانا داشته، از او التماس نمود تا
تاریخ فتوحات تیموری را بنویسد و مولانا به وقت پیری،
در مدت چهارسال، آنرا نوشت.^{۱۹}

شرف‌الدین علی یزدی
از جمله عارفان و علمای قرن
نهم هجری بوده و به فضیلت و
هنرپروری معروف و همواره در فارس و
عراق نزد سلاطین عظام معزز و
محترم بوده است

شرف‌الدین علی نوشتن کتاب ظفرنامه را در ۸۲۲
آغاز کرد و آنرا در ۸۲۸ به پایان برد و تا سال ۸۳۱ به آن
نکاتی را اضافه کرد.^{۲۰} ولی روایت دیگری تألیف ظفرنامه
را به سال ۸۰۷ در شیراز می‌داند.^{۲۱}

شاهزاده ابراهیم سلطان پسر شاهرخ حاکم فارس در
اوائل سال ۸۳۸ در شیراز بر اثر بیماری درگذشت^{۲۲} و
شرف‌الدین علی مدتی مونس و همدم سلطان غیاث‌الدین
محمد بهادر حاکم قم بوده^{۲۳} و ظاهراً توسط این شاهزاده
تیموری بوده که توانسته در سال ۸۵۳ از سمرقند به
موطن خود یزد بازگردد.^{۲۴} همچنین وی مورد احترام
شاهزاده بابر بوده و او قریه تفت را به سیورغال به
شرف‌الدین داده بود.^{۲۵} شرف‌الدین علاوه بر ظفرنامه صاحب
آثار دیگری چون: حلال مطرز در معما و لغز، منتخب حلل،
موطن یا مناظر در معما، کنه‌الزاد در علم وفق اعداد، الکتاب
فی علم الاسطرلاب، حقایق التحلیل، شرح قصیده برده،
شرح اسماء الله، تحفة الفقیر و هدیه الحقیق، منشات و دیوان
شعر بوده است.^{۲۶} در مورد تاریخ مرگ او نیز بین مورخان
و محققان اتفاق نظر وجود ندارد، برخی تاریخ مرگ او را
سال ۸۵۸ ه. ق.^{۲۷}، و نوشته‌ای تاریخ مرگ او را ۸۵۶
ه. ق.^{۲۸} و دیگری سال فوت او را ۸۵۰ ه. ق. می‌داند.^{۲۹}
نظر محققان درباره مؤلف

پیرامون شخصیت شرف‌الدین علی یزدی از سوی
محققان و مورخان نظرات گوناگونی ابراز شده است
رضاقلی خان هدایت می‌نویسد: مولانا شرف‌الدین در همه
فنون کمالات گوی سبقت از همگنان ربودی و مصاحب
سلاطین گورکانیه بود و احوال خجسته‌اش در تواریخ
مسطور و تصانیفش بین مورخین مشهور حسب الفواحش
است.^{۳۰} اما دکتر زرین کوب معتقد است که وی چنانکه
درخور مورخی درباری است بالحنی مشحون از تملق و
تعصب سخن گفته و ذات مکارم آیات آن جبار قهار را
مظهر لطف نامتناهی خوانده و مکنون ضمیر مستتیر او
را محض خیر و نیکخواهی شمرده است.^{۳۱}
در جایی دیگر آمده:

«شرف‌الدین علی از فضلا و نویسندگان ایران، مدتی
مصاحب شاهرخ تیموری و پسر او ابراهیم سلطان بوده
و شهرت او بواسطه کتاب تاریخی ظفرنامه است که
بیشتر مطالب آنرا از ظفرنامه شامی گرفته است.^{۳۲} و

بالاخره در مقدمه مصحح ظفرنامه، شرف‌الدین علی چنین
توصیف شده: «وی روشن بیان و تیززبان و بلندقدر،
مجلس فروز و انجمن آرای سرفراز و همیشه به قلم
لطایف رقم، مؤلفات بدایع آثار بر صحیفه روزگار تحریر
می‌نموده است.»^{۳۳}

به طوری که از تاریخ یزد برمی‌آید مولانا شرف‌الدین
یزدی مردی آزاده و وارسته بوده، چنانکه سلاطین زمان
و پادشاهان دوران استدعای حضور شریف او را می‌کرده‌اند
ولی مشارالیه التفات نمی‌فرموده است.^{۳۴} اما این قول
چندان قابل اعتنا نیست و نوشته‌های ظفرنامه خود نشان
بارزی از تعلق خاطر مؤلف نسبت به تیمور و خاندان او
می‌باشد که برای خوش آمد فرزندان تیمور [شاهرخ و
ابراهیم السلطان پسر شاهرخ] نوشته شده است.

محتویات کتاب

اثر شرف‌الدین علی یزدی در زمینه تاریخ به نام
ظفرنامه یا فتح نامه همایون یا تاریخ صاحبقران امیر تیمور
یا تیمورنامه شرف یا تاریخ شرف‌الدین^{۳۵}... که تاریخ
عمومی تیموریان است، شامل دو قسمت می‌باشد. یکی
مقدمه که به شرحه‌نامه تیمور اختصاص دارد و در آن از
تاریخ قبایل ترک و چهار منطقه حکمرانی پسران چنگیز
سخن می‌گوید.^{۳۶} این قسمت که توسط مؤلف «تاریخ
جهانگیر» نامیده شده و به نام مقدمه یا دیباچه به آن
ملحق شده است، خود شامل مقدمه و دو فصل و خاتمه
می‌باشد. قسمت اساسی ظفرنامه طبق نقشه مؤلف
می‌بایستی از سه مقاله تشکیل می‌شد. مقاله نخست به
تیمور، مقاله دوم به پسر او شاهرخ و مقاله سوم به
ابراهیم سلطان پسر شاهرخ، مشوق و حامی شرف‌الدین
علی در تدوین ظفرنامه اختصاص داده شده بود ولی
اثری که امروز به نام ظفرنامه مشهور است و تاریخ
تیمور را شامل می‌شود فقط مقاله اول اثر مورد نظر
مؤلف را تشکیل می‌دهد و دو مقاله دیگر موجود نیست.^{۳۷}
ضمن آن که مقدمه یا به تعبیر شرف‌الدین تاریخ جهانگیر
نیز که تقریباً یک پنجم اثر مؤلف را تشکیل می‌دهد در
چاپ کلکته^{۳۸} و چاپ تهران^{۳۹} وجود ندارد و مصحح چاپ
تهران اظهار امیدواری کرده که به محض وصول آن
منتشر خواهد کرد.^{۴۰} ترجمه فرانسوی و انگلیسی ظفرنامه
نیز فاقد مقدمه هستند در حالی که این مقدمه به نقل
خود یزدی جزء لاینفک ظفرنامه به شمار می‌رود و هدف
از تنظیم آن ارائه شرحه‌نامه تیمور و اثبات برتری او
نسبت به حاکمان سلف بوده است.^{۴۱}

مزایای ظفرنامه یزدی

همان گونه که در سطور قبل بیان شد، ظفرنامه
شرف‌الدین علی یزدی تاریخ مفصل و عمومی ایران و
جهان در سده هشتم و نهم هجری است و اوضاع سیاسی
و ساختار حکومتی ایران، ترکستان، گرجستان، هندوستان،
افغانستان، ماوراءالنهر، ارمنستان، بین‌النهرین، قفقازیه،
روسیه، سیبری، آسیای صغیر و خلیج فارس را به طول و
تفصیل تمام با عبارتی سلیس و شیواً تشریح کرده
است.^{۴۲} و به بیانی دیگر یکی از آثار برجسته تاریخ‌نویسی
مربوط به آسیای میانه می‌باشد.^{۴۳}
گرچه ظفرنامه شامی که خود در عصر تیمور

می‌زیسته و وقایع و فتوحات و شخصیت تیمور را شرح داده است از نظر قدمت و حضور مؤلف در متن حوادث از جهاتی برنوشته شرف‌الدین علی یزدی برتری دارد.^{۲۲} لیکن یزدی مطالب را با شرح و تفصیل بیشتری، بیان کرده است و به ادعای خود مؤلف در تنظیم کتاب نامبرده حتی‌المقدور از اسناد، یادداشت‌های منشیان تیمور و گواهی ناظران بهره برده است.^{۲۳} گرچه محققانی معتقدند که بیشتر مطالب مندرج در ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی، برخلاف ادعای مؤلف از کتاب ظفرنامه شامی اخذ شده و بدون ذکر مأخذ حتی اشعار بدون اندک تغییری نقل شده.^{۲۴} و یک قسمت مطالب آن از همین ظفرنامه شامی گرفته شده که در ۸۰۴ هـ. ق. به فرمان تیمور تألیف شده است.^{۲۵}

سبک نگارش کتاب

در عهد مغول و تیمور به تقلید از شاهنامه فردوسی، کتب چندی به رشته تحریر درآمدند. مقلدان شاهنامه را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخست گروه شاعرانی که به ذوق شخصی و تحت تأثیر جذبیه شاهنامه یا به تشویق بزرگانی برای احیاء حماسه ملی ایران، به کار منظوم پرداختند.

دوم گروه شاعرانی که به امید پاداش و آرزوی تقرب، شرح احوال یکی از سلاطین را نگاشته‌اند.

سوم شاعرانی که توسط پادشاهانی که خود را کمتر از محمود غزنوی و شاهان شاهنامه فردوسی نمی‌دیدند، مأمور نظم کارنامه جهانگشایی‌های آنها می‌شدند و دو قسم آخر بیش از هر دوره‌ای در عهد مغول و تیمور رواج یافت.^{۲۶} علت این امر نیز یکی تأثیر نهضت تاریخ‌نویسی اعم از منظوم و منثور و دیگر ایمان به بقا و دوام مطالب تاریخی در قالب نظم بود.^{۲۷}

معروف‌ترین منظومه‌های این دوره عبارتند از: ۱- چنگیزنامه یا شهنشاه نامه احمد تبریزی، ۲- غازان نامه نورالدین بن شمس‌الدین محمد، ۳- ظفرنامه حمداله مستوفی، ۴- تاریخ منظوم مغول از شمس‌الدین کاشانی، ۵- تمرنامه یا ظفرنامه هاتفی، ۶- شاهرخ نامه منظوم میرزا قاسم گنابادی، ۷- شاهجهان نامه کلیم ابوطالب کلیم همدانی، ۸- ظفرنامه شامی و ۹- ظفرنامه یزدی.^{۲۸} گویانکه منظومه دیگری نیز در عصر یزدی به نام بهمن‌نامه از شیخ فخرالدین حمزه ابن علی ملک طغری اسفراینی بیهقی متخلص به آذری نوشته می‌شد.^{۲۹} حال با این توضیح مختصر ولی ضروری قضاوت در مورد سبک نگارش کتاب آسان‌تر می‌گردد. انشاء ظفرنامه یزدی دارای ویژگی‌ها و عناصری است که تقریباً در تمام نوشته‌های دوره مغول و تیموری کم و بیش مشهود است. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها، استفاده وسیع از آیات قرآنی در متن کتاب برای تکمیل معنای جملات است، به نحوی که ذکر این آیات در حکم ادامه منطقی مفهوم جملات است. مثلاً... چون باد از آب بگذشتند و اشارت علیه بنفاد پیوست که عساکر کردون مائر از اطراف و جوانب به آن کوه برانید و مجاهدان دلاور چالاک ززمه تکبیر و تهلیل بمسامع سبحان صوامع افلاک رسانیدند و به قصد آن سنگدلان فیهی کالحجارة أو أشد قسوة روی

شرف‌الدین علی یزدی نوشتن کتاب ظفرنامه را در سال ۸۲۲ هـ. ق. آغاز کرد و آن را در مدت چهار سال، تا سال ۸۲۸ هـ. ق. به پایان برد و تا سال ۸۳۱ هـ. ق. به آن نکاتی را اضافه کرد. ولی روایت دیگری تألیف ظفرنامه را به سال ۸۰۷ در شیراز می‌داند

جلادت به کوه نهادند.^{۳۰}

مؤلف بر همین مبنا برای تعیین زمان و اعلان تقویم از تاریخ قمری به زبان عربی استفاده می‌کند، ضمن آن که آنرا با سال و تقویم مغولی نیز تطبیق داده است... روز سه‌شنبه بیست و دوم جمادی‌الثانی سنه سبع و تسعین و سبعمائه موافق قنقوزنیل در مقابل یکدیگر فرود آمدند...^{۳۱}

نکته دیگر استفاده از نظم در کنار نثر برای بیان یک واقعه و حادثه در قالب‌های مختلف شعری؛ مثنوی، رباعی، بیت و حتی مصراع در ظفرنامه است که به تقلید از تاریخ جهانگشای جوینی و در کل پیروی از شاهنامه فردوسی سعی در ترسیم حیات سیاسی تیمور دارد.^{۳۲}

بفرمود سلطان گردون سریر
که اخترشناسان روشن ضمیر

تفحص نمایند حال سپهر
نظر کرده در ماه و ناهید و مهر
زمانی همایون کنند اختیار

سزاوار آن کار فرخنده بار
ضمن آن که یزدی در این اثر سعی بلیغ و جد وافر داشته تا به کمک کلمات هم وزن، نثری مسجع و موزون بسازد که در کنار اشعار، نمایی زیبا از هنر نویسندگی را به معرض نمایش گذارند: مالک الملک جل و علا که رفع و حفص معارج و مهابط سعدا و اشقیا اثری از آثار لطف و عنف اوست و رقم عزت و مذلت بر ناحیه دولت و نکبت اهل اقبال و ادبار نگاشته، خانه رضا وسخط او در این آیت از کلام معجز نظام اشارت بشارت انجام کرامت فرمود...^{۳۳}

اما در نسخه‌ای که توسط یکی از وارثان محی‌الدین خواجه به کتابخانه عمومی و دولتی جمهوری ازبکستان شوروی در شهر تاشکند فروخته شد، این مقدمه ارزشمند موجود بوده که در چایی که توسط عصام‌الدین اورونبایوف تصحیح شده و مورد استفاده اینجانب بوده، چاپ شده است.^{۳۴}

در مقدمه دوبار سالی ذکر می‌شود که مؤلف به نوشتن اثر پرداخته است و آن سال ۸۲۲ هـ. ق. ۱۴۱۹ م. است که شرف‌الدین به دستور ابراهیم سلطان به گردآوری اطلاعات مربوط به تیمور پرداخته و بار دوم هنگام توضیح تقویم‌های گوناگون در جایی که شرف‌الدین سال

گرچه ظفرنامه شامی که خود
در عصر تیمور می‌زیسته و وقایع و
فتوحات و شخصیت تیمور را
شرح داده است از نظر قدمت و
حضور مؤلف در متن حوادث

از جهاتی برنوشته شرف‌الدین علی یزدی
برتری دارد، لیکن یزدی مطالب را
با شرح و تفصیل بیشتری
بیان کرده است و به ادعای خود مؤلف
در تنظیم کتاب نامبرده
حتی‌المقدور از اسناد، یادداشت‌های
منشیان تیمور و گواهی ناظران
بهره برده است

۸۲۲ هـ. ق. را با سال ۷۸۸ طبق تقویم یزدگری مقایسه می‌کند.^{۳۵} در پایان مقدمه نیز طی صحبت درباره زمان سپری شده از آغاز سلطنت چنگیزخان در دشت قیچاق ۶۲۱ هـ. ق. / ۱۲۲۴ ذکر می‌کند که از آن تاریخ تاکنون (۱۴۲۸/۸۳۱)، ۲۱۰ سال گذشته است.^{۳۶}

بعد از مقدمه، شرح حال تیمور و فتوحات او در شرق و غرب به شیوه‌ای منشیانه و آمیخته‌ای از نثر و نظم به رشته تحریر درآمده است که در چاپ تاشکند از صفحه ۱۰۸ تا ۱۰۷ را در بر می‌گیرد و در پایان آن قید شده است که...

«تمام شد کتاب فتح نامه همایون فی‌یوم‌الاحد تاسع شهر رمضان المبارک سنه اربعین و ثمانمائه الهجریه نبویه المصطوبه الالهالیه»^{۳۷}.

در چاپ تهران این مطالب در دو مجلد چاپ شده است که جلد اول آن مطابق با صفحه ۶۰۰ چاپ تاشکند است. این نوشته آنگونه که از نوشته‌های خود مؤلف بر می‌آید و در سطور قبل نیز اشاره شد در سال ۸۲۸ هـ. ق. ۱۴۲۵ م. به پایان رسیده و نقل عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع السعدین و مجمع البحرین نیز سندی بر این گفته است.^{۳۸} از دو مقاله دیگر مؤلف در مورد شاهرخ و ابراهیم سلطان اثری نیست و ممکن است به مرور زمان از بین رفته و تنها قسمت کوچکی از آن در نوشته سمرقندی منعکس شده و یا به دلیل تغییر حال مؤلف نوشته نشده است.^{۳۹}

در قضاوت نهایی می‌توان گفت:

ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی به اسلوب منشیانه تألیف یافته و به صنایع بدیعی و اشعار وامثال آراسته

شده است^{۶۲} و معاصران مؤلف یعنی شاعران و مستوفیانی که ریزه‌خوار خون دربار تیموریان بودند آن را می‌پسندیدند. این اثر به تقلید از نثر جهانگشای جوینی نوشته شده و بعدها به عنوان نمونه موردقبول و سرمشق منشیان و وقایع‌نگاران متعلق درباره‌ها قرار گرفت.^{۶۳} سبک بیان شرف‌الدین در ظفرنامه مدت مدیدی برای سایر تاریخ‌نویسانی چون خواندمیر در *حبيب السیر فی الاخبار البشر* و میرخواند در *روضه الصفا* نمونه بوده است.^{۶۴}

اما گفتنی است، هم ظفرنامه نظام‌الدین شامی و هم ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی که به روایتی تقلیدی از آن است نسبت به کتابی چون تاریخ و صاف ساده‌تر و خالی از زواید و عبارات متکلف می‌باشد.^{۶۵} و آن زیاده‌روی‌هایی را که در منشآت مصنوع قرن هشتم می‌بینیم در دو اثر ذکر شده وجود ندارد و دارای شیوه مصنوع معتدلی می‌باشند.^{۶۶}

گرایش‌های مؤلف ظفرنامه

آنچه مسلم است شرف‌الدین علی یزدی، کتاب ظفرنامه را در مدح و ستایش تیمور و اسلاف او سروده است و سراسر کتاب مملو از تعریف و تمجید از این جهانگشای خونخوار است و جای بسی تعجب و تأسف که شخصی چون مولانا شرف‌الدین یزدی که صوفی مسلک و عارف‌منش می‌زیسته، قلم و هنر خویش را در خدمت کسی چون تیمور قرار داده و بر سر آستان او سجاده تکریم پهن کرده است و حتی از آنچه جوینی درباره چنگیز و فرزندان او روا داشته، نیز پیشی بسته و برای مرد خونخواری که در بسیاری از شهرها و از جمله یزد - زادگاه و مدفن شرف‌الدین علی یزدی - از سرهای کشتگان مناره ساخته، مدح بیجا کرده و چاپلوسی را از حد گذرانده است. و با لحنی مشحون از تملق و تعصب سخن گفته و ذات مکارم آیات آن جبار قهار را مظهر لطف نامتناهی خوانده و مکتون ضمیر مستتبر او را محض خیر و نیکخواهی شمرده است و آن مایه خونریزی‌ها و ستمکاری‌های او را که موجب نفرت طبع انسانی است با اعجاب و تحسین تمام ستوده است.

او تمام قتل‌عام‌ها و جنایت‌های وی را مشیت الهی خوانده و فرار از تقدیر را ناممکن و رضا به قضا را ستوده است که... پرتو آفتاب تائیدات ربانی چون بر ساحت سعادت مقبلی تا به انوار آتارش به سایه ابری که از بخارپندار معاندان در هوای خیال محال نبرد، پوشیده نگردد... و مصداق این سیاق صورت حال حضرت صاحب‌قرانی (تیمور گورگانی) است.^{۶۸}

و در عهد سلطنت قرآن سلطان خان تتاسیر صبح پادشاهی از افق تائیدات الهی دمیدن گرفت و شعشه اختر جهانبانی از اوج عنایات ربانی درخشیدن آغاز نمود.^{۶۹}

نتیجه

ظفرنامه یا فتح‌نامه شرف‌الدین علی یزدی از جمله آثار تاریخی است که وقایع و حوادث عصر تیمور را در لباسی از لافه و عبارات سجع فارسی و عربی برای دوران‌های بعد به یادگار گذاشته است و گرچه برای خوشنودی اسلاف تیمور که در عهد آنان می‌زیسته، آنچه را که خوشایند نبوده، از ذکر آن خودداری کرده و جهانگشایی تیمور را به حساب گسترش اسلام و نشر آیین پیامبر (ص) گذاشته است و به جای توبیخ، تشویق و به جای تهدید، تعظیم و تکریم کرده است. اما اگر این نکته را بپذیرا باشیم که اولاً این خصوصیت متأسفانه

مختص ظفرنامه یزدی نیست و تقریباً تمام فضای تاریخ‌نگاری ما را در بر می‌گیرد و ثانیاً تاریخ و ادبیات ما در طول حیات سیاسی پادشاهان به نوعی در خدمت آنان بوده‌اند و ما کمتر ردپایی از حیات اجتماعی مردم را در تاریخ‌نگاری رسمی سرزمین‌مان می‌بینیم، آنگاه مولانا شرف‌الدین علی یزدی را تبرئه خواهیم کرد. گویانکه ملاقات او با عبدالرحمن جامی در ساحل نهرانجیل در هرات نیز بی‌تأثیر نبوده و ظاهراً شرف‌الدین علی یزدی بعد از این ملاقات و استماع سرزنش جامی که با وجود دانشمند بودن و وسعت اطلاعات، زندگی را در خدمت و مدح حاکمان به سر می‌برد، از هرات به خانقاه تفت مراجعت کرده و قلم مدح را شکسته و بر سجاده حمد زندگی را به پایان برده است.

بی‌نوشت‌ها

- ۱- شرف‌الدین علی یزدی: ظفرنامه، تهیه و تنظیم عصام‌الدین اورونیایوف، اداره انتشارات «فن» جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان، تاشکند، ۱۹۷۲، ص ۶.
- ۲- سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۷۷۵.
- ۳- آذر تفضلی، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۷۲، ص ۳۶۸.
- ۴- رضاقلی خان هدایت: تذکره ریاض العارفین، به کوشش مهرعلی گرگانی، انتشارات کتابفروشی محمودی، چاپخانه زهره ۱۳۴۴، ص ۳۵۴.
- ۵- حسین قلی ستوده: تاریخ آل مظفر، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷، ج ۲، ص ۲۹۳.
- ۶- امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی: تذکره الشعراء، به اهتمام محمد رضایی، چاپخانه خاور، ۱۳۳۸، ص ۲۸۶.
- ۷- غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی: حبيب السیر فی اخبار الشیر، محمد دبیرسیاقی، انتشارات خیام، تهران ۱۳۵۳، ص ۱۷.
- ۸- شرف‌الدین علی یزدی: ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۲۴.
- ۹- فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۳۶۸.
- ۱۰- احمدبن حسین بن علی کاتب: تاریخ جدیدی، به کوشش ایرج افشار، چاپخانه دانشگاه تهران ۱۳۴۵، ص ۲۷۳.
- ۱۱- تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۷۷۵.
- ۱۲- ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۲۵.
- ۱۳- حسین ملکی، اطلاعات عمومی سپیده انتشارات سپیده تهران ۱۳۶۷، ص ۱۰۵.
- ۱۴- ابوطالب حسینی تربتی، تزویرات تیموری، با مقدمه مجتبی مینوی، انتشارات اسدی، تهران ۱۳۴۲، ص ۶.
- ۱۵- محمد بن خاوند شاه بلخی (میرخواند)، روضه‌الصفاء، دکتر عباس زریاب، انتشارات علمی ۱۳۷۳، ص ۱۱۶۳.
- ۱۶- همان منبع ص ۱۱۷۲.
- ۱۷- تاریخ جدید یزد، ص ۲۳۱.
- ۱۸- تاریخ جدید یزد، ص ۲۴۱.
- ۱۹- عبدالرزاق سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۲۸۶.
- ۲۰- حافظ ابرو، زبده‌التواریخ، مقدمه مصحح سیدکمال حاج سیدجوادی، نشرنی، تهران ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸.
- ۲۱- صادق رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات دانشگاه پهلوی، شیراز ۱۳۵۲، ص ۵۴۱.
- ۲۲- روضه‌الصفاء، قسم ۶، ص ۱۱۶۶.
- ۲۳- تاریخ جدید یزد، ص ۲۳۱.
- ۲۴- تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۲۵- تاریخ جدید یزد، ص ۲۶۴.
- ۲۶- آقا بزرگ الطهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، دارالاحوه، بیروت، بی‌تا، جزء نهم، ص ۵۵۱.

- ۲۷- آفتاب رانی لکهنوی، تذکره ریاض العارفین، تصحیح سیدحسام‌الدین راشدی، پاکستان ۱۳۹۷، ص ۳۴۷.
- ۲۸- رضاقلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۲۵۴.
- ۲۹- عمررضا کحاله، معجم المؤلفین، بیروت: مکتبه المثنی داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۶۲.
- ۳۰- رضاقلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۲۵۴.
- ۳۱- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۳، ص ۵۰.
- ۳۲- حسن عمید فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۵۴۵.
- ۳۳- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، مقدمه مصحح محمدعباسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶، ص ۱۴.
- ۳۴- تاریخ جدید یزد، ص ۲۸۵.
- ۳۵- ذبیح‌اله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (از پایان قرن ۸ تا اوایل قرن ۱۰)، انتشارات فردوسی ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۸۶.
- ۳۶- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۸.
- ۳۷- همان منبع، ص ۹.
- ۳۸- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح مولوی الهداد، کلکته ۱۸۸۸ م.
- ۳۹- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح محمدعباسی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۳۶ ه. ش.
- ۴۰- همان منبع، ص ۱۸.
- ۴۱- ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۱۱.
- ۴۲- ظفرنامه، تصحیح محمدعباسی، ص ۱۰.
- ۴۳- ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۴.
- ۴۴- نظام‌الدین شامی، ظفرنامه (تاریخ فتوحات امیرتیمور گورگانی)، سازمان نشر کتاب ۱۳۶۳.
- ۴۵- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۴.
- ۴۶- ادوارد براون، از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا ۱۳۵۱، ص ۵۰.
- ۴۷- دکتر رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، ص ۵۴۱.
- ۴۸- منوچهر مرتضوی، مسایل عصر ایلخانان، مؤسسه انتشارات آگاه تهران ۱۳۷۰، ص ۵۵۵.
- ۴۹- همان، ص ۵۵۶.
- ۵۰- همان، ص ۵۷۴.
- ۵۱- ذبیح‌اله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۹۰.
- ۵۲- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، عصام‌الدین اورونیایوف، صص ۲۹/۱۸۳/۳۹۵/۴۸۳/۵۵۲/۵۷۶/۵۸۵/۶۱۲/۶۱۵.
- ۵۳- همان، صص ۵۶۶/۵۵۱/۱۰۷/۱۵۲/۱۵۸/۴۱۵/۵۲۷.
- ۵۴- همان، ص ۹۴۱.
- ۵۵- همان، ص ۶۸۰.
- ۵۶- همان، صص ۱۸۶-۲۲.
- ۵۷- همان، ص ۳۸.
- ۵۸- همان، ص ۱۶.
- ۵۹- همان، ص ۱۰۰۷.
- ۶۰- همان، ص ۱۷.
- ۶۱- همان، ص ۱۸.
- ۶۲- تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۱.
- ۶۳- نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، ص ۱۱.
- ۶۴- محمدتقی بهار (ملک‌الشعراء)، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، صص ۱۹۵/۱۹۴/۱۸۵.
- ۶۵- رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، ص ۵۴۱.
- ۶۶- ذبیح‌اله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۴۶۸.
- ۶۷- تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۰.
- ۶۸- ظفرنامه، تصحیح عصام‌الدین اورونیایوف، ص ۱۸۹.
- ۶۹- همان منبع، ص ۱۹۲.